



۴۰

سوسیالیسم امروز

۱۷ مارس ۲۰۱۸ - ۲۶ اسفند ۱۳۹۶

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرود: سلام زنجی



پیام نوروزی
رهبری
حزب
سوسیالیست
انقلابی ایران

صفحه ۴

ما برای یک زندگی بهتر میجنگیم
(چند گزارش و خبر کارگری)

صفحه ۹

از حلبچه تا عفرین

صفحه ۱۰

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند
(قران را به زبان مادری بخوانید)

صفحه ۱۱

خشونت با زنان
در حاکمیت جمهوری ننگین اسلامی

صفحه ۶

در صفحات دیگر:

- یادی از همسنگران کمونیست گردان شوان
- حلبچه: جنایتی که در حافظه تاریخ حک شده است!

حقوق و آزادی های فردی و مدنی

سخنگویان سرمایه داری احترام به حقوق فردی و مدنی را خصلت مشخصه و یک رکن اصلی نظام خویش اعلام میکنند. واقعیت اینست که از میان ۵ میلیارد انسانی که امروز زیر حاکمیت سرمایه زندگی میکنند، تنها درصد ناچیزی را، آنهم در کشورهای معدودی، میتوان سراغ کرد که از نوعی حقوق فردی و مدنی تعریف شده و نسبتاً با ثبات برخوردارند. سهم اکثریت عظیم مردم جهان سرمایه داری، بی حقوقی سیاسی کمابیش مطلق، دولت های فعال مایشاء و مستبد، و تروریسم و خشونت سازمان یافته دولتی است. بعلاوه، در خود کشورهای صنعتی اروپای غربی و آمریکا نیز حقوق فردی و مدنی مردم نه فقط در قیاس با آزادی مورد مطالبه انسان امروز انگشت شمار و ناچیز است، بلکه بر متن انقیاد اقتصادی توده مردم کارگر به سرمایه و رابطه مستقیم حق و آزادی با مالکیت، از هر معنی مادی و جدی تهی است. و بالاخره، تجربه زندگی مردم این کشورها در دوره های بحران و تنگنای اقتصادی به روشنی نشان میدهد که بقاء و دوام همین حقوق انگشت شمار و فرمال نیز ربط مستقیم به موقعیت اقتصادی طبقه سرمایه دار دارد و هرچا این حقوق برای سودآوری و انباشت سرمایه دست و پاگیر شده اند، بسادگی مورد تعرض دولت و طبقه حاکم قرار گرفته اند.

صفحه ۲ ←

کارگران جهان متحد شوید!

حقوق و آزادیهای فردی و...

آزادی فردی و مدنی واقعی تنها در جامعه ای میتواند متحقق شود که خود آزاد باشد. انقلاب کمونیستی کارگری، با از میان بردن انقیاد طبقاتی و اقتصادی انسانها، مبشر گسترده ترین آزادی ها و امکانات ابراز وجود فرد در قلمروهای مختلف زندگی است .

حزب سوسیالیست انقلابی در عین حال برای تحقق و تضمین وسیع ترین حقوق فردی و مدنی در جامعه موجود مبارزه میکند. اهم این حقوق و آزادی های انکار ناپذیر و غیر قابل نقض عبارتند از :

- حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض .

- حق معاش. حق برخورداری از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی .

- حق فراغت و تفریح و آسایش .

- حق آموزش. حق استفاده از کلیه امکانات آموزشی موجود در جامعه .

- حق سلامتی. حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه .

- حق استقلال فردی. ممنوعیت هر نوع انقیاد و بردگی و بیگاری در هر پوشش و با هر توجیه .

- حق معاشرت و زندگی اجتماعی. ممنوعیت هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران .

- حق جستجو و اطلاع از حقیقت در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی. ممنوعیت سانسور، ممنوعیت کنترل دولت و یا مالکان و مدیران رسانه ها بر اطلاعاتی که در اختیار شهروندان قرار میگیرد .

- حق برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن. آزادی ساکنین کشور و نمایندگان آنها در کنترل و حسابرسی تاثیرات فعالیت های دولت و بنگاه های مختلف بر محیط زیست .

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل .

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد. آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه. لغو هر نوع ارجاع در قوانین به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم. ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد .

- آزادی مذهب و بی مذهبی .

- حق رای همگانی و برابر برای کلیه افراد بالاتر از شانزده سال مستقل از جنسیت، تعلقات مذهبی، قومی، ملی، شغلی، تابعیت، مرام و عقیده سیاسی و آزادی هر فرد بالاتر از شانزده سال برای کاندید شدن در هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی .

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استتکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی .

- آزادی بی قید و شرط انتخاب محل سکونت، آزادی سفر و نقل مکان برای همه افراد بالای شانزده سال اعم از زن و مرد. ممنوعیت هر نوع کنترل دائمی عبور و مرور در داخل کشور توسط دولت و مقامات انتظامی. لغو هر نوع محدودیت بر خروج از کشور. صدور بی قید و شرط و فوری گذرنامه و جواز ورود و خروج .

- ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور بی قید و شرط اجازه اقامت و کار برای متقاضیان اقامت در ایران.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد. مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت. ممنوعیت گردآوری اطلاعات در مورد زندگی افراد بدون کسب اجازه رسمی از خود آنها. حق هر فرد ساکن کشور به دریافت و مطالعه کلیه اطلاعاتی که مراجع دولتی از او در اختیار دارند .

- آزادی انتخاب شغل .

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم .

- آزادی حسابرسی و نظارت نمایندگان مردم بر فعالیت ها و اسناد و دفاتر نهادهای دولتی. ممنوعیت دیپلوماسی سری.

(بر گرفته از برنامه "یک دنیای بهتر" حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

یادی از همسنگران کمونیست گردان شوان

سلام زیجی



صد درصد در ضدیت با تاریخ سیاسی و آرمانی گردان شوانها و کومله سوسیالیست آندوره، فعالیت دارند. چنین جریانی اکنون با آن سرمایه انقلابی سابق دارند سفره قومی گری و ضد کمونیستی خود را بازسازی و باز تولید میکنند، بعضا با شاخه های از رژیم نیز همونوا شدند، کار بزنسی و فساد مالی را جایگزین "مبارزه پیشمرگانه" کرده اند، و حتی در صفوف خود مجرمتترین و فاسدترین عوامل و عناصری که حتی به بستگان و خانواده و کودکان "پیشمرگان" همان دوره گردان شوان نیز آسیب رسانده اند اکنون به اسم "کومله" و "پیشمرگ قدیمی کومله" پناه داده اند و یار نزدیک سیاسی و مالی شخص "دبیرکل" نیز هستند!

نیز میباشد. مستقل از کم و کاست آن تاریخ، تداوم و تمرکز روی آن سنت و جنبش و اهداف اساس حقیقت و مهمترین جنبه گرامی داشت یاد چنین جانباخته گانی میباشد.

رفقای گردان شوان جزئی از یک نیروی مسلح کمونیست رزمنده و شجاع بودند. اما همانطور که گفتیم تنها از این نظر قابل ستایش نیستند، بخشی از یک نیروی متشکل و متحزب کمونیستی بودند که نه خود را "کرد" میدانستند، نه برای خودمختاری و "خاک کردستان" و نه برای فدرالیسم ارتجاعی به میدان آمده بودند، نه اتوریته رهبران ماداملعمر و نان به نرخ روز خورده ها را میپذیرفتند و نه تره برای کرداپتی و "آلای کردستان" خورد میکردند.

بنا به خصلت رزمندگی و اهداف سیاسی که داشتند هیچ گاه به رژیم توهم نداشتند. برای سرنگونی کلیت رژیم مبارزه میکردند. دفاع از آزادی و کارگر و دهقانان فقیر در مقابل عشایر و شیوخ و سرمایه داران کورد هویت آنها بود. گردان شوان جز نیروی بود که وظیفه خود را تنها در عرصه نظامی تعریف نمیکرد بلکه همواره چون یک مروج سازمانده و مبلغ کمونیست در میان توده مردم ظاهر میشد و آنها را به واقعیت نظام طبقاتی و ستم و ستمکشی آگاه میساخت.

استفاده از تاریخ پرافتخار گردان شوان و کل جانباختگان آن دوره و بهره گیری از آن برای یک سیاست و سازمان و استراتژی جدید ملی گرایانه و غیر کارگری و غیر کمونیستی کار شرافتمندانه ای نیست! این کلاه برداری سیاسی بیش نیست و باید در افکار عمومی، به ویژه نزد خانواده عزیزان جانباختگان آن تاریخ رسوا شوند.

گرامی داشت یاد عزیزان متشکل در گردان شوان هر چند بار عاطفی سنگینی در بر دارد و یاد آور خاطره زیادی برای خیلی ها میباشد اما همزمان یاد آوری و گرامی داشت یک جنبش سیاسی، یک جریان چپ و کمونیست و یک سنت در تاریخ معاصر کردستان و ایران

سالگرد کشتار مردم بیدفاع حلبچه و گرامی داشتن یاد بیش از پنج هزار قربانی ناشی از آن جنایت مترادف است با گرامی داشتن یاد هفتاد و دو نفر از کمونیستهای هم‌رزم کمونیستم در کومله سابق که در همین رویداد هولناک جان باختند.

از جانباخته گانی دارم صحبت میکنم که با هم برای یک هدف مبارزه کردیم، برای آزادی و برابری، برای سوسیالیسم، برای برابری زن و مرد، برای دفاع از حقوق کارگران و برای تامین آزادی و امنیت و رفاه کارگران و زحمتکشان. رفقای که در یک تاریخ طولانی در یک سنگر بودیم. سنگر مبارزه و مقاومت فراموش نشدنی بر علیه تعرض گسترده نظامی جمهوری، سازمان دادن آن مقاومت و جنگیدن با آن حکومت جنایتکار. درسنگر پوچ کردن تعرض بورژوازی کرد، پس زدن و شکست دادن حمله نظامی حزب دمکرات به آزادیهای سیاسی مردم و سرکوب نیروهای چپ و حمله نظامی به کومه له سوسیالیست آنزمان. یاد کسانی را گرامی میدارم که تا زمانی که این عزیزان در قید حیاط بودند در کومه له و حزب کمونیست سابق ایران به عنوان نیروی مسلح طبقه کارگر و کمونیستهای جامعه کردستان هم هدف و همسو با کل جنبش کارگری و کمونیستی ایران در عرصه های متعدد سیاسی و نظامی در تلاش و مبارزه مشترک و در کنار هم برای تحقق سوسیالیسم.

این عزیزان در نبرد بسیار نابرابری در روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفند ۱۳۶۶ و در حالی که در جریان بمباران شیمیایی حلبچه از جانب حکومت صدام حسین جنایتکار بشدد مسموم شده بودند قهرمانانه با نیروهای جمهوری اسلامی جنگیدند و بیشتر آنها جان باختند و دوازده نفر از آنها نیز در حالی که مسموم و بیهوش شده بودند از طرف نیروهای جمهوری اسلامی دستگیر و سپس در سنج اعدام میشوند.

دو سه سال بعداز مرگ این کمونیستهای مسلح و رزمنده بیشتر همسنگران آنها نیز آن سازمان سابق، یعنی کومله و حزب کمونیست را ترک کردند و با کمونیزم کارگری و منصور حکمت همراه شدند. با جدا شدن ماها از کومه له ابتدا یک سازمان و اکنون سازمانهای متعددی به اسم کومه له فعالیت دارند که تماما با تاریخ سیاسی و مبارزاتی و با اهداف غیر قومی و سوسیالیستی گردان شوان و همه جانباخته گان تاریخ کومله و حزب کمونیست از بیخ متفاوت میباشدند.

آنها که اکنون با نام کومه له فعالیت دارند کاملاً بی ربط به آن تاریخ میباشدند. تاریخ گذشته ماها و همه جانباخته گان راه آزادی و سوسیالیسم اکنون فقط سرمایه ای شده است که کومه له ایهای موجود، از جمله شاخه "کومله زحمتکشان" عبدالله مهندی

ادامه در صفحه ۵

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

پیام نروزی رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران

از طرف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، فرا رسیدن نروزی سال ۱۳۹۷ را به طبقه کارگر، به جنبش آزادی و برابری طلبی زنان و جوانان، و به همه کسانی که آرزوی سرنگونی رژیم ننگین اسلامی را دارند، صمیمانه تبریک میگویم.

سال ۱۳۹۶ را همراه با درد و مشقات فراوان پشت سر گذاشتیم. سال ۹۶ نیز متأسفانه به دلیل نامادگی و پراکندگی جنبش ما و وجود خلا جدی الترناتیو سوسیالیستی و متشکل کارگری، باز هم سالی بود که جمهوری اسلامی و سیستم ظالمانه سرمایه داری، نه تنها به حیات جنایتکارانه خود ادامه دادند، که توانستند از راه تحمیل زندگی برده وار زیر خط فقر به کارگران و اکثریت عظیم شهروندان، و از راه چپاول و دزدیهای بی شمار سرمایه و ثروت جامعه و اختصاص دادن آن به خیل اوباش مسلح و مذهبی های مفت خور و دستگاہای تروریستی، و با تشدید سرکوب و گسترش اعدام و زندان و ترور و مرعوب کردن، توانسته اند مبارزه جنبش ما را برای سرنگونی این رژیم جانی و دست یابی به آزادی و برابری و سوسیالیسم را سخت تر نمایند، و بدینوسیله این حکومت قرون وسطی شادی فرار رسیدن سال نو و بهار نو را نیز به کام همه تلخ کرده است.

اما در عین حال سالی که گذشت سال همبستگی انسانی، به ویژه در رویداد اندوهگین زلزله زدگان استان کرمانشاه و کمک رسانی بیدریغ مردمی به آسیب دیدگان زلزله، سال تشکیل حزب سوسیالیست انقلابی ایران، سال گسترش تنفر و انزجار اجتماعی از جمهوری اسلامی، سال مبارزه و مقاومت گسترده تر کارگران، زنان، جوانان، معلمین و مردم تشنه آزادی علیه نظام فاسد جمهوری اسلامی نیز بود. سالی بود که به ویژه از دی ماه به این سو کلیت نظام جمهوری اسلامی را بیش از پیش با تعرض و تنفر و اعتراض کارگران و جوانان و زنان روبرو کرده است. این مبارزات در صورت اتکا به سیاست و پرچم آزادیخواهانه و سوسیالیستی، در صورت پرهیز از امید بستن به کشمکش جناحهای درونی رژیم، به دخالت دولتهای غربی، و به سیاست و فراخوانهای نیروهای دست راستی ملی و مذهبی اپوزسیون، میتواند پیام آور آینده ای بهتری در سال ۹۷ باشد.

مردم آزادخواه!

در هر جای که هستید، نروزی و بهار نو را به مناسبتی برای اتحاد و شادی و تحکیم روابط دوستانه خود تبدیل کنید. با جشن و پایکوبی و گل دادن به همدیگر به استقبال بهار و زندگی نو برویم، این مناسبت را به جلوه های دلپذیر جشن و همبستگی و اتحاد و همسرنوشتی انسانی در برابر رژیم ضد شادی و ضد آزادی تبدیل کنیم. چنین مناسبتی باید کاملاً بدور از تعصبات و دسته بندیهای ساختگی ملی و مذهبی که سننهای ضد شادی و اتحاد و خوشبختی انسانی هستند، شادی روزهای نروزی را قدر بدانیم و زندگی را با آن طراوت تازه ببخشیم.

حزب سوسیالیست انقلابی در این جشن و سرور، و همچنین در تلاش و مبارزه بی وقفه برای دستیابی به آینده بهتر و سرنگونی رژیم جنایتکار اسلامی در کنار و همراه شما خواهد بود.

در سال جدید، برای تک تک شما عزیزان و خانواده و فرزندانتان آرزوی سالی سرشار از موفقیت و تندرستی داریم.

سلام زیجی

از طرف شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۲۶ اسفند ۱۳۹۶

۱۷ مارس ۲۰۱۷

Iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



iransocialist2017@gmail.com

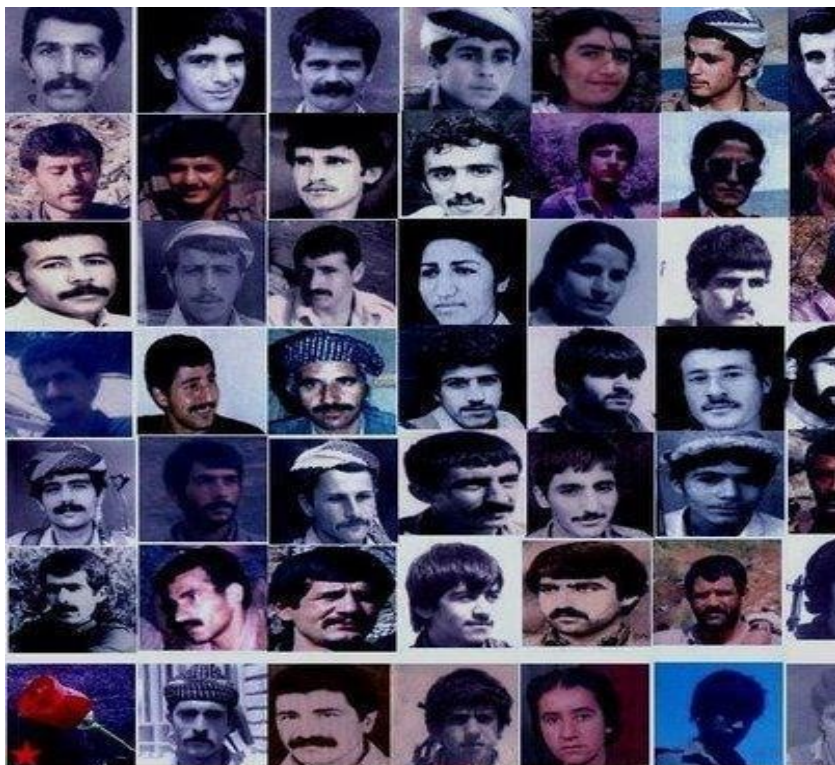
www.simroz.org

۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳



آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

یادی از همسنگران ...



کمونئیستهای بودند که بخشا سابقه سیاسی در هر دو حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی را داشتند. همه ما ها در سنت مشترک آنزمان علاوه بر آن خصلتهای که اشاره شد خود را در نقطه مقابل سنت تا آنزمان ناسیونالیستی پیشمرگانه حزب دمکرات تعریف میکردیم که هم قومی بودند هم "غیر سیاسی" و هم آلت دست رهبریشان برای سرکوب آزادیهای سیاسی و کارگران و دهقانان فقیر.

تاریخ زندگی رفقای گردان شوان پراز فراز و نشیب اما مملو از رزمندگی و افتخار بود. ما یاد این همسنگران کمونیست خود را با پای فشاری به سنتهای مبارزه طبقاتی خود در میدان های مختلف نبرد گرمای خواهیم داشت. بعداز بیست سال از آن تاریخ اوضاع بسیار متحول شده است همانطوریکه سازمانی که گردان شوان آنزمان در آن عضو بود امروز شباهتی با آن دوران فعالیت ندارند.

اما یک هدف و یک آرمان، همان هدف و آرمانی که آن عزیزان برایش جان باختند همچنان سر جای خود پا برجا است. آرمان کمونیزم و سوسیالیسم و هدف رسیدن به یک جامعه آزاد، برابر و سوسیالیستی. ما همچنان در آن مسیر و در پیمودن این راه قرار داریم و در تعهد به تحقق آن ماندگار خواهیم ماند. با تلاش برای به پیروزی رساندن کمونیزم و کارگر بر ارتجاع جمهوری اسلامی و سرمایه داران و ناسونالیستهای قومی رنگاورنگ و ابرو باخته، با پای فشاری بر تداوم آن اهداف و پرنسیب، شایسته ترین گرمای داشت از این هفتاد و دو کمونیست را تضمین میکنیم.

این عهد ما با آنها و ادا احترام ما به تک تک اعضا خانواده و همرزمان رفقای گردان شوان و همه جانباخته گان راه آزادی و سوسیالیسم است!

یاد عزیزان گردان شوان

گرامی باد یاد عزیز همرزمان کمونیست مان در گردان شوان!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!
2010-03-18

باز تکثیر: بعداز ادیت مجدد، اصل مقاله در نشریه "سوسیالیسم امروز" شماره ۴۰ در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۸ به مناسبت سالگرد جانباختن آن عزیزان بازپخش میگردد



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



۰۰۳۳۷۰۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشانش، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میداین شهرها و محلات پخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

خشونت با زنان در حاکمیت جمهوری ننگین اسلامی

مینا تهرانی

سرکوب زنان طی این ۴۰ ساله حکومت جمهوری اسلامی ایران خونخوار و وحشی آنقدر گفتمانی هست که سالها باید در مورد آن نوشت و به گفتگو نشست. اگر پای صحبت و دردل اکثر زنان ایرانی در این مدت بنشینیم هر کدام کتابی خواهد شد که در این مدت کم نشنیده و کم ندیده ایم. این حکومت جبار و ضد زن از زمان به قدرت رسیدن گویا انتقام و کینه ای چندین ساله از زنان را با تمام قدرت دارد میگیرد، با کوچکترین بهانه موجب آزار و اذیت و زندان و شکنجه و اسید پاشی و هر نوع اعمال سادیسمی را در مورد زنان و دختران شده و میشود.

اما با وجود این همه جنایت اکثریت زنان طی این سالها نه تسلیم شده اند و نه کوتاه آمده اند. آنها برای احقاق حق خود همچنان مصرانه با تلاش و کوشش همه جانبه در اشکال مختلف به مبارزه خود ادامه میدهند. چنانچه اخیراً در اتفاقات روز جهانی زن، ۸ مارس، و بعد از آن هم شاهدش بودیم مبارزه با این حاکمیت سیاه ضد آزادی زن ادامه دارد. مینیم و میشنومیم که در خیابان بطور علنی دختران بدون حجاب ظاهر میشوند، علیرغم اینکه مورد توهین و تحقیر و حتی مورد ضرب و شتم افراد غیر مسئول و به اصطلاح لباس شخصیها نیز قرار میگیرند، اما زیر بار سر کردن حجاب نمیروند.

یا در مراسم چهارشنبه سوری قاشق زنی نیز شاهد حرکات و حمایت سمبلیک مردان آزادیخواه و برابری طلب و مشارکت و همگام بودن خود را با زنان در این شبها اعلام کردند.

جامعه متحول و مدرن امروز ایران و زنان آگاه و پیشرو دیگر حاضر به عقب گرد نخواهد شد و به پیش روی خود تا بسر منزل مقصود ادامه میدهد. اما رسیدن قطعی به منزلگاه و تحقق کامل اهداف و آرزوهای سرکوب شده مان مستلزم اتحاد همه اقشار سرکوب شده از جمله زنان و کارگران و مردم زحمتکش، روی آوری به سیاست و احزاب انقلابی و سوسیالیستی، خود سازماندهی برای سرنگونی همه جانبه این نظام قرون وسطی، و تلاش متحدانه برای استقرار یک نظام آزاد، برابر و سوسیالیستی است.

به امید رسیدن به اهداف و خواسته های بر حق خود همچنان به راه خود ادامه خواهیم داد.

زنده باد برابری

زنده باد آزادی و رفع آپارتاید جنسی

زنده باد سوسیالیسم!

حلبچه:

جنایتی که در حافظه تاریخ حک شده است!

سلام زیجی

در ساعت ۲ بعد از ظهر ۲۸ اسفند ۶۶ مردم حلبچه خود را در در میان آتش مرگ نیروهای ایران و عراق یافتند. ۱۰ تا ۱۲ فرزند جنگنده بمب افکن شیمیایی عراق ساکنین حلبچه را در دود و آتش گرفت و در جا مردم یک شهر را در گام مرگ فرو بردند.

در چنین روزی دنیا شاهد یک تراژدی هولناک بود. اما حاکمان جهان "دمکراسی و حقوق بشری" بنا به منافع و مصلحت خود چشم و گوش خود را در مقابل این جنایت بزرگ بستند. در یک چشم به همزن مردم بی دفاع، کودکان و سالمندان یک شهر خود را در زیر آتش و دود یافتند. از زمین و هوا بمباران شدند و در میان انبوه دود سفید و سیاه و زرد رنگ بمباران شیمیایی و غرش توپها در تاریکی فرو رفتند. لحظاتی بیش طول نکشید که کودکان در آغوش پدر و مادرشان و سالمندان تنها در بستر و جوانان در حال فرار در کوچه و اطراف شهر بر زمین افتادند. برای زندگی و زیستن داد زدند و کمک طلبیدن و فرار کردند. جان بیش از پنج هزار انسان بی دفاع را گرفتند و تعداد بیشتری را معلول و مجروح کردند.



حزب قومی و فاشیستی بعث صدام حسین جنایتکار و همکارانش این نسل کشی هولناک را به تاریخ سیاه پر از وحشیگری نظامها و جریانات قومپرست و جهان بی رحم سرمایه داری تحت سلطه خود اضافه کردند. نابود کردن مردم حلبچه در بطن یک جنگ هشت ساله ویرانگر که حکومت اسلامی و بعث براه انداختند به وقوع پیوست. جنگی که هنوز جمهور اسلامی از قبل آن بهره برداری میکند و از آن به عنوان استحکام خود و کشتار گسترده در خیابان و زندان استفاده کرد. صدام حسین و حکومت فاشیستی عراق نیز در این جنگ اعلام پیروزی میکند و بیش از پیش به قدرت نمائی میپردازد. این جنایتکاران تاریخ، خون مردم حلبچه را نیز همانند بیش از یک میلیون قربانی دوره جنگ را در ازای تحکیم موقعیت و منافع و اهداف پلید خود بکار گرفتند.



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

WWW.SIMROZ.ORG

سوسیالیسم امروز

خبرگزاری سوسیالیست ایرانی

مجموعه‌های: سخن‌آورد، اطلاعیه‌ها، سلاطین، تریبون‌ها، ویدیو، روزنامه سوسیالیست، امروز و گزارش کارگری، جنبش‌ها

موضوعات منتخب:

- تاریخ سوسیالیسم ایرانی
- روزنامه سوسیالیست
- سخت‌ترین روزهای گورزی
- روزگرد روز چهارم
- امروز و گزارش

Facebook: Socialist Iran

Media: سوسیالیسم امروز

کشور ایران، دوبار، دو تجربه، و دو آلترناتیو ارتجاعی را در عرض یکصد سال اخیر تجربه کرده است. هم تاریخ سیستم عقب مانده و سرکوب گر شوینیستی- سلطنتی و هم تاریخ عقب مانده تر و قرون وسطی تر و جانی تر از نوع حکومت اسلامی. هر دو تجربه، تجربه مملو از خون و کشتار، و استبداد و جنایت و زندان و شکنجه و اعدام و بی حقوقی و زدن آزادی و برابری و رفاه جامعه است، هر دو ضد کارگری و کمونیستی، هر دو حافظ یک مشت سرمایه دار انگل و سرکوبگر و دزد و فاسد. اکنون نوبت این است که کارگر و جنبش سوسیالیستی مدعی باشد! باید به میدان بیاد، باید قدرت را بگیرد. راه قدرت یابی اش نیز دقیقاً پیگیری و بپایی فشاری بر صف مستقل طبقاتی خود، به یک سیاست روشن، شفاف و انقلابی، درس گرفتن از تجربه سال ۵۷، پرهیز از پوپولیسم بازی و "همه با هم" بودنهای فریبکارانه، و دست بردن به ابزارهای سرنگونی طلبانه به شیوه انقلابی در بعد کارگری، توده ای، حزبی، مسلحانه، و اتکا صرف به مبارزه و سیاست و صف مستقل و واحد سوسیالیستی جنبش خود!

Iran-socialist2017@gmail.com

حلیچه...

اگر چه حکومت بعث عامل اول کشتار و بمباران حلبچه بود اما تنها جنایتکاری نبود که مردمان بی دفاع و بیگناه یک شهر را نابود کرد. جمهوری اسلامی در این کشتار و با توپ باران و حمله زمینی و با "عملیات والفجر ۶۶" در منطقه دستش به خون بیش از پنج هزار انسان در حلبچه آلوده است و مستقیماً در خلق این جنایت سهیم بود. بنا به اسناد منتشر شده احزاب قومی کرد نیز، که در رکاب جمهوری اسلامی قرار داشتند، در یک طرح و توافق مشترک با سپاه پاسداران و برای مقابله با صدام در کشاندن جبهه جنگ به آن مناطق و همراهی نیروهای ایران به حلبچه و منطقه و سر انجام در به غارت بردن اموال باقی مانده مردم به خاک و خون کشیده شده حلبچه مستقیماً سهیم و مجرم بودند.

این حقیقت تاریخی را نباید گذاشت از رویداد جنایت علیه مردم حلبچه را وارونه جلوه دهند. این مردم داغدار کماکان با مشقات و درد و رنج باقی مانده ناشی از کشتار بی رحمانه خود دست و پنجه نرم میکنند. بسیاری از بازماندگان و معلولین و آسیب دیدگان هنوز هم بعد از چند دهه فاصله از آن روز هولناک با عدم رسیدگی به آنها و پاسخ ندادن به خواسته هایشان روبرو هستند. این در حالی است که هر روز و در هر سالگرد به مناسبت حلبچه شاهد گوهی از هیاهوی خرافی و عوامفریبانه کردایتی و شعر و سروده ها هستیم، اما رسیدگی به خواست و نیاز واقعی آن مردم بی جواب مانده است.

چند دهه است که حلبچه آن کشتار هولناک و جنگ ایران و عراق و حاکمیت بعث و صدام را پشت سر می گذارد. در این مدت تعدادی در کردستان به ثروت اندوزی کلان دست یافته اند و مردم حلبچه همچنان حاشیه نشین و در فقر و معلولی و آسیب زدگی بسر میبرند. آیا محقیم بعد از این همه مدت همچنان انگشت اتهام و علل شانه خالی کردن از رسیدگی به خواستها و بقای فقر و غیره را به سوی خارج مرزهای "اقلیم" دراز کنیم؟ آیا شعر و سرود و سرخ کردن رگ گردن کردایتی دردی از دردهای بی شمار تکنونی مردم حلبچه و دیگر مناطق تهی دست کردستان کم کرده است؟

در بیست و دومین سالگرد جنایت بمباران شیمیایی حلبچه به وسیله حکومت جنایتکار بعث و در گرمی داشت یاد همه قربانیان این تراژدی هولناک زمان آن رسیده است که بدون درنگ همه آثار آن جنایت و همه نیازمندیهای مردم حلبچه و دیگر تهیدستان را در همین سر زمینی که کردستان نام دارد از حاکمان صاحب ثروت و قدرت طلب کنیم و خواهان زندگی مرفه و شایسته مردمانی باشیم که صدها برابر بیش از همه سرمایه داران و حاکمیت کنندگان بورژوا ناسیونالیست کرد درد کشیده اند و قربانی داده اند. گرمی باد یاد قربانیان حلبچه! ننگ بر جنگ قومی! ننگ بر جنایتکاران بعثی و جمهوری اسلامی! باز تکثیر: شماره ۴۰ نشریه سوسیالیسم امروز (۱۷ مارس ۲۰۱۸)



تعیین حداقل دستمزد کارگران در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگری است!

حداقل دستمزد کمتر از ۴-۵ میلیون تومان برابر با تحمیل زندگی مجدد بردگی و تداوم استثمار وحشیانه کارگران از سوی دولت و کارفرمایان است.

خانه کارگر، شوراهای اسلامی، انجمنهای صنفی و شورای عالی کار نهادهای کاملاً دولتی و ضدکارگری هستند!

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره حداقل دستمزد سال ۹۷

حول مطالبه "افزایش حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان" متحد شویم!



مهمترین نبرد امروز طبقه کارگر ایران: گرفتن حق حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان

ما برای یک زندگی بهتر می‌جنگیم (چند گزارش و خبر کارگری)

عزیز آجیکند



نشست روز جمعه ۲۵ اسفند شورای عالی کار ضد کارگری برای تعیین حداقل دستمزد کارگران گویا پس از ساعتها بحث بدون نتیجه به پایان رسید و جلسه بعدی به روز شنبه موکول شد. علی ربیعی، وزیر کار و رئیس شورای عالی کار که خود چندین ماه پیش عملاً افزایش دستمزد در حد ۱۵ درصد اعلام کرده بود مدعی شده است "اختلاف زیاد بین نمایندگان کارگران و کارفرمایان را دلیل به نتیجه ماندن مذاکرات اعلام کرده است" انجمنهای صنفی و مقامات خانه کارگر رژیم نیز سبب معیشت خانوار کارگری را حدود سه میلیون هفت صد هزار تومان اعلام کرده اند اما

جناب ربیعی و کارفرما و شورای عالی کار حول دستمزد به مراتب کمتر از آن سطحی که انجمنهای صنفی و خانه کارگرها رژیم نیز گفته اند دارند چانه زنی و عوامفریبی میکنند،

رژیمی که به این شکل پاسخ "عیدی" دهها میلیون کارگر و خانواده کارگری می دهد، به این شکل سفر و زندگی یک سال آینده کارگران و کارکنان را به گروه میگیرد شایسته نبودن کردن فوری است! طبقه کارگر ایران نباید تصمیم شورای عالی کار را بپذیرد، باید برای گرفتن حق حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان متحدان به میدان آمد و اعتصاب و اعتراض سازمان داد.

همه ما فعالین حزب سوسیالیست انقلابی در این مهم گام برداشتیم و در این مهم در کنار هم طبقه ای های خود قرار گرفتیم و می خواهیم در این مبارزه تا به آخر به پیش رویم و در کنارشان باشیم و خواهیم بود اما ما نمی خواهیم در این مبارزه تنها باشیم، چنین مبارزه قدرت و توان زیادی می طلبد پس باید با هم همراه شویم تا توانمند تر باشیم. به امید پیروزی

نه تنها متاسفانه به این مطالبه کارگران ایران توجه نشده است که دولت سرمایه داران از طریق شورایی عالی کار در صدد تکمیل زندگی چند برابر زیر خط فقر به کارگران بر آمده است.

حداقل دستمزد کارگران می بایست بر مبنای ۵ میلیون تومان در ماه برای کارگران به رسمیت شناخته میشود. می بایست این سبد تنگدستانه ی بخور و نمیر کارگران در فعالیت هر روزه همه کسانی قرار میگرفت که هدفشان سرنگونی جامعه سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جامعه سوسیالیستی بود. می بایست در این راستا همه به یاری کارگران می شتافتیم و در بین توده های کارگر و زحمتکش با امکانات تبلیغی که در اختیار داشتیم، همه را بر این محور و این خواست بر حق کارگران متشکل و فرا می خواندیم. گر چه ما به عنوان فعالین حزب سوسیالیست انقلابی در کنار بیانیه مشترک نهادها و سندیگاههای داخل کشور قرار گرفتیم و این افتخار را در پرونده کاری خود داریم، اما انتظار میرفت که جمع زیادی از انقلابیون کمونیست ما را در این گام مهم همراهی میکردند که متاسفانه چنین پیش نرفت.

هفته ی دیگر را نیز پشت سر گذاشتیم. این هفته نیز همچون همیشه صدای اعتراض و اعتصاب کارگران در مراکز کار و خیابانها طنینیده شد و چون آتش زیر خاکستر هر دم بیرون زدو موج آن نه تنها فروکش نکرد بلکه ندای آزادیخواهیش آواز طنین افکن هر اعتراضی علیه سرمایه داران مفت خور و دولت حامی و پشتیبانشان در ایران گشت. کارگران در خیابان و در مراکز کارگری و هر گوشه ای از ایران، شیپور آزادیخواهی را دمیدند.

اولین خبری که خوشحالی همه آزادیخواه و مبارزان راه رهایی کارگران و زحمتکشانشان را در بر داشت، خبر آزادی کارگر زندانی رضا شهابی بود. رضا شهابی سه شنبه شب ساعت هفت از زندان اوین آزاد گشت. رضا شهابی باید مبلغ شش میلیون و هشتصد هزار تومان، به عنوان جریمه پرداخت کند. همچنین به مدت دو سال از تمام فعالیت های سندیکایی، حضور در احزاب و گروه ها منع شده است. گر چه این حکم در قبال این کارگر زندانی جنایت کارانه است اما آزادی ایشان و برگشتنش به پیش خانواده و همکارانش جای خوشحالیست و باید به همه آنهايي که آرزوی آزادی رضا شهابی را در سر داشتند بخصوص به خانواده اش تبریک گفت.

اعتصاب و اعتراضات کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز که امروز ۲۵ همین روز اعتصاب خود را از سر میگذرانند و همچنین شرکت نیشکر هفت تپه و دهها مراکز کارگری دیگر در ایران، نشان میدهد که فصل تازه ای از مبارزات کارگری در ایران به خصوص در هفته های اخیر شروع شده است.

تعیین حداقل دستمزد سال ۱۳۹۷ کارگران، امسال نیز، مانند سال های گذشته، در "مذاکرات" یکطرفه سرمایه داران تصمیم گیری در مورد یکی از بنیادی ترین مسئله ی زندگی کارگران و حقوق بگیران بدون حضور نمایندگان واقعی کارگران رقم خورد. روال سال های گذشته، مقامات دولتی و نمایندگان کارفرمایان در نهادهای تعیین مزد یک جانبه به نفع دولت و کارفرمایان تصمیم گرفتند. در این نشست افراد و کسانی برای کارگران تصمیم گرفتند که خود جزو مفت خورترین افراد جامعه به حساب می آیند و در هیچ کجای تلاش خود ذره ای برای بهتر شدن زندگی و معیشت کارگران، قدم بر نداشته اند و همیشه سعی بر آن داشته اند که حامی و پشتیبان اربابان خود باشند.

حداقل دستمزد ۵ میلیونی که از طرف سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان رقم خورد و مورد فوری حمایت حزب سوسیالیست انقلابی ایران هم قرار گرفت، و در گام بعدی کلیه نهادهای غیر دولتی کارگری نیز خواهان ۵ میلیون تومان شدند، اکنون

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

از حلبچه تا عفرین

(چند کلمه در باره عفرین به مناسبت باز کثیر اطلاعیه قبلی حزب)

سلام زیجی



ما سوسیالیستها، ما صف کارگران و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و کسانی که گویا تاریخ را فراموش میکنند و ارتجاع "خارجی" و "خودی" همواره روی چنین روندی سرمایه گذاری میکنند، نباید برای پی بردن به واقعیت ها و منفعتهای متفاوت سیاسی-طبقاتی، از جمله در "خاک کردستان" و "روژآوا"، نسبت به نقش مخرب و تحمیل ناکامیها و شکستهای ارتجاع "خارجی" و "خودی" به جامعه و شهروندان بیش از این بی تفاوت بمانیم و به زندگی کردن در سناریوهای آنها رضایت بدهیم و هر بار از نو به سربازان بی آینده آنها نیز تبدیل شویم! امروز عفرین فردا جای دیگری خواهد بود! همانطوری که دیروز مهاباد و دیاربکر و کرکوک و شنگال بی حاصل را تجربه کرده ایم، تا سرنوشت جامعه در دست این ها باشد، تا چپهای دو آتشه دیروزی به ناسیونالیستهای چند آتشه "برخوردان" و "دولت-ملت" امروزی تبدیل شوند، تردیدی نیست که از نو این تجربه های منفی را در سایه سیاست و منفعت و استراتژی احزاب "ملی-ناسیونالیستی" کرد تجربه خواهیم کرد.

باز تکثیر مواضع واقعینانه و اصولی حزب سوسیالیست انقلابی در قبال یورش جنایتکارانه دولت ترکیه به عفرین، در شرایطی که ابعاد جنایت و کشتار شهروندان شهر عفرین توسط ارتش فاشیست ترکیه و همراهان اسلامی تروریست آنها، خشم بر حق و غم و اندوه عمیق هر انسان شرافتمندی را به اوج رسانده است، ضروری دانستیم. چرا که همان زمان ما به حقایقهای هشدار دهنده ی اشاره کردیم که متأسفانه اتفاقات درد آور کنونی عفرین را نمیتوان بدون توجه به آن حقایقی که بر اشتباهات فاحش سیاسی- استراتژیک رهبری "پ ی د" اشاره شده، اکنون مورد بررسی قرار داد و از آن درس گرفت،

درست در این روزهای که توجه ها به جنایات هولناک علیه شهروندان در عفرین بیشتر شده است، همزمان با سالگرد یک جنایت تاریخی دیگر به اسم حلبچه نیز مواجه هستیم. اگر چه ظاهراً این رویدادها به دو دوره تاریخی متفاوت تعلق دارند، اما واقعیت این است ریشه و عواملهای که چنین رویدادهای را خلق میکند مشترک است. کلیه این اتفاقات مشابه در مناطق کرد زبان، علاوه بر وحشیگری حکومتهای مرکزی، که این هم بخشا با همراهی بخشی از خود همین احزاب مربوط به جنبش "کرداپتی" صورت گرفته است، اساساً به سیاستهای غیر انقلابی و بورژوائی یک جنبش خاص در مناطق کرد نشین مرتبط میباشد، که صدها بار سر جنبش مبارزین راه آزادی و رهائی را به سنگ کوبیده اند. در سها و تجاربهای که بدون آزمون گرفتن از آنها، بدون روی آوری به سیاست و آلترناتیو و احزاب متفاوت دیگری، همچنان در حال تکرار شدن خواهند بود و آوار آن نیز از نو بر سر مردم بی دفاع و کارگران و جنبشی که برای آزادی و برابری، از جمله خلاصی از ستم ملی، مبارزه میکنند ویران میگردد.

باید عمیقاً توجه کرد همانگونه که در رویداد "فرانکوم کردستان عراق"، و به ویژه رویداد "کرکوک"، فقط نمیتوانستیم بدو بیرو به دولت عبادی بگوئیم، و دیدیم امثال قاسم سلیمانی های جمهوری اسلامی ایران و دولت امریکا و بخشی از خود رهبری سیاسی احزاب حاکم بورژوازی کرد نیز در این رسوائی و شکست مفتضح مسئول و دست داشتند، امروز هم نمیتوانیم فقط به جوانب صرف عاطفی و یا توجه به عمق فاجعه و جنایتی که علیه شهروندان در عفرین صورت میگیرد اکتفا کنیم. نمیتوانیم فقط جنایت دولت فاشیست مذهبی ترکیه را ببینیم. شخصاً همانگونه که در رویداد حلبچه اشک و خشم تمام وجودم را فرا گرفته بود، امروز هم در مقابل فاشیسم دولت ترکیه و مشاهده کشتار شهروندان عفرین نیز همین حالت را داشته و دارم!، اما همچنانکه گفته شد ما موظف هستیم فراتر از این جنبه ها فکر کنیم و باید پرده از روی حقایقها برداریم. باید متأسفانه این واقعیت سخت را گفت و پذیرفت با وجود احترام زیادی که به مقاومت در عفرین قائل هستیم، اما سیاست که عفرین امروز را به این وضع کشانده، نباید در ادامه کوبانی دیروز تلقی کرد!

ادامه در صفحه ۱۲

تاکید شد که اعمال جنایتکارانه و شونیستی دولتهای حاکم در سوریه و ایران و ترکیه و عراق در بر خود به شهروندان کرد زبان، عامل اصلی در تداوم وضع موجود است. اما معضل اصلی و دومی که همواره سر راه شهروندان مناطق کرد نشین قرار داشته و دارند، همین احزاب بورژوا-ناسیونالیستی کرد کپی شده دولتهای مرکزی هستند. سیاست کردن آنها بر اساس وجود شکاف بین دولتهای منطقه ای و جهانی، در راستائی منافع سرمایه داران کردستان، دنبالچه بودن یکی از قدرتهای جهانی و یا همین دولتهای سرکوبگر "ضدکرد"، با پروپاگاند دروغین "کرداپتی" و پرچمهای پوچ "خودمختاری"، فدراتیوی"- فدرالیسم قومی" و غیره ناتوانی و مانع بودن خود آنها را بر سر حل مساله کرد در هر "چهارپارچه" را به یک واقعیت غیر قابل انکار تبدیل کرده است!

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را به زبان مادری بخوانید)

سهراب کرمانشانی

لازم به ذکر میدانم که در آیه ۱۱۵ اشاره ای آشکار به مالکیت و حدود مرز جغرافیایی از شرق تا غرب شده است و این خود نشان از بنیادی بودن اصل سرمایه داری و برده داری در دین اسلام را دارد، و اینکه چقدر تمامی کتاب قرآن هر چه پرسش وجود دارد آنرا ارجاع به گذشته و آینده میدهند پاسخ بوضوح روشن است چونکه نه کسی میتواند به گذشته برود و نه کسی میتواند آینده را ببیند!

(آیات ۱۱۹ و ۱۲۰): "ای پیغمبر ما تو را بحق فرستادیم که مردم را بسعادت بهشت مژده دهی و از عذاب جهنم بترسانی و تومسئول کافران که براه جهنم رفتند نیستی. هرگز یهود و نصاری از تورا ضی و خشنود نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آیین آنها کنی بگویی پیغمبر راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را ببینی دریافتی دیگر اصلا خدایار و یاور تو نخواهد بود"

تا بیدم از طرف نیروی مافوق تخیلی و بشارت برای گروهی از چاپلوسان و مزدبگیران آن حتما بخشی از جامعه را زیر سوال میبرد و در نهایت با ارباب و تزریق توهم و تخیل خود را مصون و غیرمسئول در برابر توهمات انتقالی میداند، متأسفانه اشکال آنجاست چه دین داشته باشی و چه نداشته باشی مهر محکومیت بر پیشانی حک میشود. پذیرفتن ادیان توسط انسان حکایت کسی را دارد که از سرترس مدام برای خود بیماری تولید میکند و هر چند وقت یکبار جهت بهبودی نزدیک پزشک جدید رود!!

(آیات ۱۲۱ و ۱۲۲): "کسانی که کتاب بر آنها فرستادیم آنگاه کتاب را خوانده و حق خواندن را بجای آوردند آنان بحقیقت اهل ایمانند و آنها که بکتاب خدا کافر شدند و نسبت به آن حق شناسی نکردند آن گروه زیانکاران عالمند. ای بنی اسرائیل بیاد آرید نعمتی که به شما عطا کردم و اینکه شمارا فضیلت و برتری دادم بر همه مردم"

هندوانه قارچ نکرده را چگونه میشود که پذیرفت، پذیرش دین منوط به خواندن آنست، و آنکسی که میخواند و نمیخواهد که بپذیرد به حکم شما بی ایمان و مرتد است! من نمیدانم این فضیلتی که از نعمات نیروی برتر ساختگی شماست و هیچ فرقی بین انسانها نگذاشته و دم از عدالت محوری سر میزند چرا فقط باید آنرا به قوم یهود عطا کند و سپس آنرا بستاند!!

(آیه ۱۲): "و بترسید از روزیکه هر کس جزای عمل خود در آنروز ببیند و کسی را بجای دیگری مجازات نکنند و از هیچ کس فدایی پذیرفته نشود و شفاعت کسی سودمند نبود و کسی را یآوری نباشد"

تهدید و ارباب از ابتدای سوره بقره تا همین نقطه بارها و بارها تکرار شده، نهی و امر ترس و وحشت تهدید به روز قیامت از محسنات کتاب اخلاق و راهنمای انسانها بوده است، البته مجازاتهای دروغین و غیر واقعی آخرت فقط بخاطر درگیر شدن ذهنیت افراد و ایجاد جنگ درونی و خود اشتغال فکری است، که متأسفانه این موضوع به همین جا ختم نمیشود و ادامه به جملاتی میرسیم که حد و مجازات اسلامی بخاطر سرپیچی کردن از احکام دین با جرایم بسیار سنگین جسمی و حتی قطع اعضای بدن و سر بریدن روبرو خواهیم شد... ادامه دارد

زنده باد کارگر - نابود باد حاکمیت دینی - زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران

تماس با حزب سوسیالیست انقلابی

Iransocialist2017@gmail.com

(سوره بقره (آیه ۱۱۳): "یهود بر این دعویند که نصارا را از حق چیزی در دست نیست و نصارا بر این دعوی که یهود را در صورتیکه هر دو گروه در خواندن کتاب آسمانی یکسانند (یعنی هر دو طایفه اهل کتابند و تنها بخواندن از آن بهره مندند)

یگونه دعویها نظیر گفتار و مجادلات مردمی است که از کتاب آسمانی بی بهره اند و خداوند در این اختلافات روز قیامت حکم خواهد فرمود"

تفرقه انداختن و حکومت کردن یکی از شگردهایی است که ادیان مختلف دنیا به بهانه های واهی همیشه و همه جا از اساسی ترین شیوه های رایج استبدادی خود میدانستند. اگر شما میگویند که تورات و انجیل کتابهای آسمانی هستند پس چرا دو گروه یهود و نصارا را به اتحاد فرامیخوانید و آنها را ارجاع به روز قیامت میدهید؟ مگر نه آنست که قرآن کتابی معجزه آساست در جهت راه اتحاد همبستگی و برابری و آزادی!!

(آیه ۱۱۴): "کیست ستمکار تر از آنکه مردم را از ذکر نام خدا در مساجد منع کند و در خرابی آن اهتمام و کوشش نماید چنین گروه را نشاید که در مساجد مسلمین در آیند جز آنکه ترسناک و بیمناک باشند این گروه را در دنیا ذلت و خواری نصیب است و در آخرت عذابی بسیار سخت"

وحشی ترین و خونخوارترین موجود روی زمین کسانی هستند که کتاب دینی را به ارمغان آوردند و نادان ترین آنها کسانی هستند که این کتب را نشو و ترجمه کردند و دیوانه تر از آنها افرادی هستند که پذیرفتند، چرا که پایه و بنیاد ترور و تروریست از همین نقطه بنا نهاده شد و کسی که انگ ستمکار میخورد در نهایت جرم او بعنوان مرتد در ادیان تروریستی اشد مجازات است.

(آیات ۱۱۵ و ۱۱۶): "مشرق و مغرب هر دو ملک خداست پس به کردی روی کنید بسوی خدا روی آورده اید خدا بهمه جا محیط و به هر چیز داناست. و گروهی گفتند که خدا دارای فرزندانست او پاک و منزّه از آنست بلکه هر چه در آسمانها و زمین است ملک اوست و همه فرمانبردار اویند" پس نیروی برترشما جهت یابیش دارای مشکل بوده و عاجز از علم جغرافیاست، احتمال آنهم می رود که دچار نوعی آلزایمر بوده باشد! چونکه خودتان گفتید تمام آنچه که خلق شده از آن اوست و همگی ملک و موجودات رعیت اویند و به همین راحتی شمال و جنوب آنرا از قلم انداختید، بزرگترین گاف شما در این آیه آنست که میگویند پس به هر طرف که رو کنید ملک خداست، حال کسی که ملک دارد و پایه و اساسش ساخت و ساز است بی تردید هم تغذیه میکند و هم زن و بچه دارد، تناقض، تحریف، و ابطال در تمامی آیات مشهود و آشکار است.

(آیات ۱۱۷ و ۱۱۸): "و آفریننده آسمانها و زمین است و چون اراده آفرینش چیزی کند بمحض آنکه گوید موجود باش بفور موجود میشود. این مردم نادان اعتراض کردند که چرا خداوند با مانگوید یا اینکه چرانی آورد برای ما آیتی همینطور، گفتند آن کسانی که قبل از ایشان بودند مانند سخن آنها دلهایشان (در بی فهمی) بهم شبیه است و بتحقیق ظاهر کردیم ما آیات خود را بر اهل یقین"

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

نشریه شنبه ها**منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار**مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با
نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفا
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیماً به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جنایتکار اسلامی کمک فوری
خواهد کرد.

از حلیجه تا...

رهبری غالب "چپ" عمیقاً ناسیونالیستی حاکم بر "روژاوا" چه خواهد و چه نخواهد، تاریخ پر افتخار کوبانی و جنگ قهرمانانه علیه داعش وحشی را متأسفانه با آمریکا و اسد و ایران و دیگر بازیگران جنایتکار تقسیم کرده است! اگر عفرین در ادامه کوبانی بود، شاهد افتضاحات امروز نبودیم، شاهد هیاهوی استقبال از نیروهای فاشیست اسد برای ورود و "دفاع" از عفرین نمیبودیم. شاهد عبور بدون مشکل ارتش فاشیست ترکیه از مرز در سایه دولتهای جنایتکار آمریکا و روسیه نمی بودیم، شاهد بی تفاوتی جهان متمدن هم نمی بودیم، چرا که هیچ جهان متمدنی نمی آید از حضور و شراکت شما، احزاب حاکم، با آمریکا و اسد حمایت کند! و اکنون باید امیدوار بود که حداقل بر سر مقاومت جانانه و خونهای ریخته شده در عفرین شاهد معامله به مراتب درد آورتری در پشت صحنه نباشیم!

در هر صورت رویداد اندهوگین عفرین نیز پایان خواهد یافت. و البته عمیقاً آرزو مندیم که با مشقات کمتری برای شهروندان تمام گردد. اما آینده و سرنوشت صدها عفرین و کرکوک و دهها میلیون شهروند دیگری، اگر بخواهیم مسیر بهتر و پیروزمندان را طی نمایم، تماماً در گرو انتخاب و پیوستن به سیاست و مبارزه و راه حل سوسیالیستی، و عبور کامل از سیاست و سنت و استراتژی ویرانگر بورژوا-ناسیونالیستی، چه در قالب عریان قوم پرستی و چه در شکل "چپ ملی گرای" آن است. جنبش سوسیالیستی انقلابی پاسخ اصولی تر و مبارزه رادیکالتری را در برخورد به تحولات منطقه و پایان دادن قطعی به معضل واقعی ستم ملی و مساله کرد در سوریه و دیگر مناطق نمایندگی می کند. بدون چنین راحل های چشم اندازی برای حل مسئله کرد و پایان دادن به این معضل تاریخی قابل تصور نیست.

یاد عزیز همه شهروندان و کودکان جانباخته و مبارزین آزادیخواه مقاومت عفرین در نبرد علیه فاشیسم دولت ترکیه و دیگر اسلامیون تروریست گرامی باد!

۱۷ مارس ۲۰۱۸

۲۷ اسفند ۱۳۹۶

یورش جنایتکارانه دولت ترکیه به کانتون عفرین محکوم است!

یورش نیروهای دولت فاشیست ترکیه به کانتون عفرین با "چراغ سبز روسیه" و ابراز "نگرانی آمریکا"، روز پنجشنبه ۱۸-۲۰۱۸ با توپ و خمپاره باران شروع شد و روزهای شنبه و یکشنبه با شدیدترین بمباران هوای و آتش توپخانه و لشکرکشی به اوج خود رسیده است. این اقدام جنایتکارانه تاکنون دهها کشته و زخمی بر جای گذاشته است که بیشتر آنها مردم بی دفاع و غیر مسلح شهروندان کانتون عفرین هستند.

آنچه که امروز اجازه داده است تا دولت فاشیست ترکیه به توجیهات دروغین "امنیتی- مرزی" خود پوشش "قانونی" بدهد، وجود تناسب قوای جدید و مساعدتر برای پیشبرد همان اهداف شوم فاشیستی دوره نبرد در کوبانی و همکاری دولت ترکیه با داعش است. تناسب قوای که اکنون به زیان مبارزین دوره نبرد با داعش در کردستان سوریه و روند آزادیخواهانه و به نفع ارتجاع و دولتهای درگیر در منطقه، از جمله دولت فاشیست ترکیه تمام گردیده است.

رهبری محدودنگر ناسیونالیستی حاکم در کردستان سوریه نتوانست روند مبارزاتی و آزادیخواهانه ای که با "کوبانی" تداعی گردید و با شکست دادن قهرمانانه به یکی از وحشی ترین نیروهای سیاه اسلامی، داعش، محبوب و مورد حمایت قطب چپ و جهان متمدن قرار گرفت، رهبری نمایند، و این چهر و محبوبیت و موقعیت مساعد را در منطقه و جهان محفوظ نگاهدارند و به سر انجام بهتری برسانند. با به میان کشاندن طرح مخرب "فدرالی دمکراتیک" (کنفدراسیون شمال سوریه) تا کشاندن آن تاریخ سفید و پر افتخار مبارزاتی پیشین به زیر سایه سیاه ارتش آمریکا و قرار گرفتن در میان جنگ نیابتی روسیه و آمریکا و متحدین جنایتکار آنها که، درکشتار وسیع و ویران کردن جامعه سوریه نقش جنایتکارانه ایفا کرده اند، سیاستی را در پیش گرفتند که آشکارا به زیان آن روند و مبارزه آزادیخواهانه تمام شده است.

یورش کنونی دولت فاشیست ترکیه بر بستر این تناسب قوای جدید شروع شده است. دولت اردوغان اکنون در مقابل چشم جهانیان و آمریکای "هم پیمان" قدری میکند، مردم مقیم کشور دیگری را کشتار میکند، از مرز عبور میکند و آشکارا در کشور دیگری دارد دخالت مینماید، اما نه جهان مانند سابق به حمایت از "روژاوا" بر خواهد خواست و نه آمریکای "هم پیمان" حاضر به دفاع جدی از "پ ی د" و "نیروهای سوریه دمکراتیک" تحت حمایت خود میباشد. حزب سوسیالیست انقلابی ضمن پای فشاری بر پرهیز کردن شهروندان و نیروهای درگیر در عفرین و منطقه از همکاری رسمی و نظامی با نیروهای امپریالیستی و دولتهای درگیر در منطقه، و تأکید بر تأمین منفعت مستقل شهروندان و تبدیل نکردن آنها به نیروی برای پیشبرد جدال و معامله فیما بین آمریکا و روسیه و همپیمانان آنها، یورش وحشیانه دولت و ارتش فاشیست ترکیه را قویاً محکوم میکند.

حزب سوسیالیست انقلابی از همه نیروهای سوسیالیست و مترقی و افکار عمومی میخواد در کنار رسوا کردن نقش و طرحهای مخرب آمریکا و روسیه و دولتهای هم پیمانشان علیه شهروندان منطقه، از جمله کانتون عفرین، به مقابله با دولت ترکیه برخیزند. باید مانع تداوم یورش وحشیانه مشترک ارتش ترکیه و دیگر شاخه های مرجع اپوزسیون سوریه به کانتون عفرین و کشتار شهروندان شد.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۱ بهمن ۱۳۹۶

۲۱-ژانویه ۲۰۱۸

اخراج و بیکار سازی موقوف!